

## نبرد میانه‌روهای مذهب با افراطی‌های شیعه سیاسی

پیروزی میانه‌روهای مذهب در انتخابات مجلس جمهوری اسلامی و اکثریت یافتن آنها در مجلس، تصویر ناخوشایندی از آینده ایران برای بنیادگرایان شیعه سیاسی کشید. با نزد یک شدن به تاریخ تشکیل این مجلس و برخورد خوشبینانه و امیدوارانه غرب و بخصوص آمریکا با آن، این تصویر ناخوشایند برای حزب اله با کوچک شدن پا بگام مردمی آن ناخوشایند تر و روشنتر شد. حمله دادگستری شیعه اسلامی بنیادگرایان به نشریات میانه‌رو اصلاح طلب آغازی برای بنیادگرایان حزب الهی است که آینده مورد نظر خود را برای ایران بسازند که فرق زیادی با گذشته جمهوری اسلامی از جهت سیاسی نخواهد داشت و عواقب بد اقتصادی آن برای آنها قابل قبول است.

دو شاخگی در شیعه سیاسی بعد از انتخاب خاتمی آشکار شد و در دوران ریاست جمهوری او وسعت بیشتری یافت. شیعه سیاسی میانه‌رو به رهبری خاتمی پی به عمیق شدن فاصله دولت مذهب و مردم برد و مشاهده کرد که رژیم اسلامی از ابتدای تاسیس خود با ابزاری د یگری به جز زور بر کشور حکومت نکرده است و ادامه این روش رژیم مذهب را در آینده نزدیک به نیستی خواهد کشاند. آزادی‌های اجتماعی که دولت خاتمی به مردم داد و محدودیت‌های اجتماعی اسلامی که او از اجراش جلوگیری کردش آن اجتماعی مردم را تا حدودی به آنها بازگرداند هر چند که به پای ذره‌ای از اش آن اجتماعی مردم در دوران پهلوی هانمیرسد. میانه‌روهای شیعه سیاسی با مشاهده پا بگام مردمی خود به شغف آمدند و تشویق شدند تا برای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مردم با تندروهای شیعه سیاسی بیشتر درگیر شوند.

درک روحانیت شیعه سیاسی از پا بگام مردمی خود مقلدین کم سواد، بیسواد و بد سواد فشری مذهب بودند که پی چون و چرا مانند طوطی از آنها تقلید میکردند. تحصیل کرده‌ها و روشنفکران مذهب که انقلاب ۵۷ را در جهت خواست روحانیت شیعه سیاسی به پیروزی رساندند و روشنفکران مذهب که در دوران بیست ساله رژیم اسلامی پرورش یافتند پا بگام مردمی را در دیکراسی و صندوق‌های رای میدیدند که پشتیبانی فکری از زمانیده را جایگزین تقلید از آشی را میکردند و جای چون و چرا در رای گیری بعدی محفوظ بود. این دو پیش از پا بگام مردمی همواره در رژیم جمهوری اسلامی آشکار بوده است و با پی علت جمهوری اسلامی همواره دو دولت داشته است. دولت روحانیت شیعه سیاسی و مقلدین آن که همواره آماده جهاد کردن هستند که رهبری آن را اولی فقیه، مجلس خبرگان، شورای نگهبان و مجمع مصلحت نظام در دست دارد و قدرت اجرایی آن سپاه پاسداران، بسیج، کمیته‌ها و انصار حزب اله است. رئیس جمهور و دولت با وزارت خانه‌ها پیش دولت دیگر است. البته ما میدانیم که این دو دولت در رژیم جمهوری اسلامی مساوی خلق نشده‌اند و دولت فقیه و مقلد بر دولت صندوق‌های رای حاکمیت دارد و تا میتواند آن را از راستی و درستی خالی میکند و این کار بوسیله شرط تأیید انتخاب شوندگان توسط شورای نگهبان میشود. و حتی دولت تشکیل شده همواره زیر نظر دولت فقیه و مقلد است.

تحصیل کرده‌های مذهب توانائی‌های سیاسی قابل ملاحظه‌ای در انقلاب ۵۷ از خود نشان دادند و بدون آنها رژیم جمهوری اسلامی هرگز تشکیل نمیشد. جریان سیاسی که به دوم خرداد معروف است از زیردستی سیاسی این گروه مذهب حکایت میکند که عملاً در دست آوردن پا بگام مردمی، روحانیت شیعه سیاسی فقیه و مقلد حزب الهی را شکست دادند. در مبارزه پا بگام مردمی صندوق‌های رای تحصیل کرده‌های مذهب فقیه‌ها و مقلد‌ها را در انتخابات انجمن شهرها و مجلس ششم شکست دادند. تحصیل کرده‌های مذهب بیست سال بعد از انقلاب اسلامی میبینند که روحانیت سیاسی شیعه به آنها دروغ گفته است، آنها را فریب داده است و از آنها تقلید بدون فکر میخواهد در صورتی که ایران را به کشوری تبدیل کرده است که بیرون از قوانین میان ملت‌هاست، کشور را به فقر اقتصادی دچار کرده و ایران را به یکی از کشورهای تولیدکننده پناهنده سیاسی و اقتصادی تبدیل کرده است. کلاه برداری سیاسی که روحانیت شیعه از تحصیل کرده‌های مذهب کرده است برای آنها روز به روز روشنتر میشود. جنگ سنتی در تاریخ معاصر صد ساله ایران بین مدارس مذهب و علمی دوباره در ایران شدت گرفته است و این بار پرچم داران این جنگ مدارس علمی مذهب شده در جمهوری اسلامی هستند.

بر اساس تجربه تاریخ جدید ایران از انقلاب مشروطیت بعد سازمان بندی سیاسی ایران تقریباً غیر ممکن بنظر میرسد. حزب توده و بعد ها سازمان‌ها و احزاب پیشمار کمونیستی انقلاب حزبی خود را در فرورختن ایران به شوروی ناپدید شده، چین و آلبانی، متلاشی کردن موسسات ایران مانند ارتش و دانشگاه‌ها... و یاد در تجزیه ایران میدیدند با این وجود هرگز به عنوان یک حزب چپ فراگیر به حساب نیامدند و تنها نفوذ خود را در میان طبقه متوسط بد سواد سیاسی رو به سالمند شدن حفظ

کردند. سلطنت طلبان به خاطر تربیت فاشیستی و میلیتاریستی خود و عقب افتادن سیاسی زیاد از زمان و گرفتاری به سهم قابل ملاحظه به بد سوادی سیاسی ملی هرگز نتوانستند بطور جدی سازمان بندی سیاسی داشته باشند. نیروی سیاسی که دشمنی با غرب را با ملی گرایی اشتباه کرده است و عاجز از سازمان بندی سیاسی خود است، همچنان های سیاسی خیابانی مردم را با یگانه سیاسی خود میخواند.

روحانی های شیعه سیاسی که در دوران نوسازی ایران در زمان پهلوی ها به رهبری شیعه رسیدند با انقلاب طهرین، منجم ترین و فراقیرترین موسسه ایران بودند که تنها ارتش و دولت توانائی رقابت کردن با آنها را داشتند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی روحانیت شیعه سیاسی موسسه خود را بهتر سازمان بندی کرد. رهبری شیعه سیاسی در شورای نگهبان مراقب دولت و مجلس است، در مجلس خبرگان رهبری خود را تعیین میکند، در ولایت فقیه قدرت شیعه سیاسی را متمرکز میکند تا در تصمیم گیری دچار تردید و دولتی نشود، در مجمع تشخیص مصلحت نظام اختلافات شیعه سیاسی مطرح میشود تا توافق ها و دسته بندی ها بشود و از درون نظام متلاشی نشود، دادگستری قانونیت به سرکوب مخالفان و شرعی کردن کشور میدهد. نیروی اجرائی شیعه سیاسی از مقلدین و متعصبین مذهبی، علاه های رده های پائین، بیسوادان، کم سوادان و بد سوادان تشکیل شده است. این نیروی اجرائی در سپاه پاسداران، بسیج و کمیته ها متمرکز شده است و جنبه قانونی دارد که دولت خرج آنها را میدهد. نیروی اجرائی غیر رسمی شیعه سیاسی و یارانش های خصوصی هر آیت الهی در انصار حزب اله، نازاله و غیره متمرکز است.

تحصیل کرده های مذهبی که بخد مت شیعه سیاسی در آمدند با این خاطر نبود که آنها کیفیت عالی داشتند بلکه با این علت بود که از کمونیست ها فراری بودند و با ملی گراها خود را در یک سنگر میدیدند و شیعه سیاسی تعقل کمونیستی ضد امپریالیستی و بخصوص امپریالیست آمریکا و ضد سرما به داری جدید ایران را و همینطور سیاست ضد خیالی استعماری ملی گراها را پذیرفته بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی احق های سیاسی دستمزد خود را از شیعه سیاسی یکی پس از دیگری دریافت کردند. بازرگان و دوستانش کنار گذاشته شدند چون خیلی زیاد میانه رو و غرب زده بودند. مجاهدین سرکوب و قتل عام شدند چون حاضر نبودند زبردست آخوند باشند. بعد از این وقایع تحصیل کرده های مذهبی دست و پای خود را جمع کردن و خاتمی از وزارت فرهنگ استعفا داد و بکار تکنوکراتی برای روحانیت شیعه پرداختند و منتظر شدند تا بحران های ساخته شده روحانیت شیعه، گروگان گیری و جنگ با عراق و دوران لاف زنانه ریاست جمهوری رئسنجانی سپری شود. پیروزی خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری فرصت جدیدی به تحصیل کرده های مذهبی داد تا به مبارزه روحانیت شیعه سیاسی بروند تا شاید دیگر گونیهایی بنیادی سیاسی در ایران ایجاد کنند.

جریان معروف به دوم خرداد از آنجا که فاقد سازمان بندی سیاسی است که با طبیعت رای دهندگان سازگار نیست و همچنین خطر شناسائی شدن از طرف فقاهتی ها را دارد. برای شکل دادن به جنبش سیاسی خود به نشریات روی آورده است. این نشریات بر اساس قانون میتوانند با اجازه وزارت ارشاد تا سیس شوند و به اراده نیروی قضائی بسته شوند. نشریات میانه رو که طرفدار خاتمی اند سیاست های او را تبلیغ میکنند و با دشمنان سیاسی او مبارزه میکنند. و سیاست های شیعه سیاسی را که منجر به دیکتاتوری سیاسی و ویرانی اقتصادی شده برای مردم توضیح میدهند. نشریات میانه رو ادبیات سیاسی مخالف روحانیت شیعه سیاسی را شکل، سازمان و نظم میدهند که مردم بر اساس آن موضع خود را میگیرند و از سیاست های خاتمی حمایت میکنند. چرخش بسوی غیر مذهبی شدن دولت و جامعه این بار توسط میانه روهای مذهبی در نشریات میانه رو آغاز شده است. ابزاری که خاتمی و میانه روهای مذهبی برای بنا کردن پایگاه مردمی خود بکار بردند نشریات بود، ابزاری که آنها میخواهند برای رویرو شدن با روحانیت افراطی بکار ببرند مجلس است، بدین جهت نشریات میانه رو همه بسته میشوند و سرنوشته مجلس آینده طرفدار خاتمی نامعین است.

روحانیت شیعه سیاسی حاکم بر ایران معتقد است که بهترین دفاع حمله است و خاتمی و مشاورانش تا بحال نشان داده اند که معتقدند بهترین سیاستی که آنها میتوانند داشته باشند صبر و حوصله به همراه توسعه دادن پایگاه مردمی خود است. روحانیت شیعه سیاسی با سیاست آتش ناپذیر حمله رژیم پهلوی ها را بنا بود کرد، با حمله شریکان انقلابی خود را سرکوب کرد و دیکتاتوری خود را بنا کرد و با حمله شهرهای ایران را اسلامی کرد، با حمله مخالفان داخلی و خارجی خود را کشت و با حمله قصد دارد جریان سیاسی دوم خرداد را سرکوب کند. کادراهای درخشان سیاسی که در طیف تحصیل کرده های مذهبی هستند اگر با این حقیقت پی ببرند که تنها راه پیروزی سیاسی آنها میدان جنگ با دیکتاتوری فقاهتی و مذهبی های مقلد میگذرد و

توانائی های خود را به پای این نبرد اجتناب ناپذیر بریزند، دو خدمت بزرگ تاریخی به ایران خواهند کرد یکی اینکه جریان غیر مذهبی شدن دولت را آغاز خواهند کرد و دوم اینکه اصلاحات تاریخی ضروری در تعقل اسلام شیعه را شروع و به سرانجام برسانند. که اگر اولی در توانائی نیروی سیاسی نامعین در آینده نامعلوم باشد دومی تنها در توانائی این نسل از میانه روهای مذهبی است.

اشتباه دیگری که دوم خرداد ای ها میتوانند بکنند اینست که تصور کنند چرخ زمان را روحانیت شیعه سیاسی نمیتواند به عقب برگرداند و فراموش کنند که آنها با انقلاب اسلامی صد سال ترقی خواهی انقلاب مشروطیت را با چرخ زمان خرد کننده خود به عقب برگردانند و چنانچه دمکرات های جوان مذهبی ایران استعداد و سازمان بندی و تحرک سیاسی در خشان خود را به میدان نبرد آینده ساز ایران با حزب اله نریزند و آن را شکست ندهند چرخ واپس گرای نیرومند روحانیت شیعه جنبش دوم خرداد را نیز خرد خواهد کرد و آن را به انبوه شکست خوردگان دوران تاریخی خود خواهد افزود.